

نقش منابع بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار شرطی و غیر شرطی در بزرگسالی

شیرین فرازند^۱، پروانه محمدخانی^۲، عباس پور شهباز^۳
و بهروز دولتشاهی^۴

دریافت مقاله Jun 10, 2017
پذیرش مقاله Apr 25, 2017

گرچه تمایز بین طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی از لحاظ نظری و کاربرد بالینی اهمیت بسزایی دارد. مطالعات پیشین فقط برخی شواهد اولیه در جهت تفاوت شیوه‌های شکل‌گیری طرحواره‌ها از لحاظ شرطی بودن فراهم کرده‌اند و مطالعات اندکی تمایز بین طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی را مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش منابع بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی (بدرفتاری عاطفی والدین، همسالان و سایرین در کودکی) در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار شرطی و غیرشرطی در بزرگسالی بود. برای این منظور طی یک پژوهش توصیفی از نوع همستگی، ۳۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران (دانشگاه علوم‌بهزیستی و توانبخشی، دانشگاه خواجه نصیر، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام نور) به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و از نظر تجارب زندگی و طرحواره‌های ناسازگار مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که بدرفتاری‌های عاطفی والدین و همسالان، طرحواره‌های غیرشرطی و بدرفتاری‌های عاطفی والدین، همسالان و سایرین، طرحواره‌های شرطی را در دانشجویان پیش‌بینی می‌کند. بنظر می‌رسد بدرفتاری منابعی که تداوم و شدت بیشتری در زندگی فرد دارند، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تری در پیش‌بینی طرحواره‌های غیرشرطی و طرحواره‌های شرطی هستند زیرا، منابعی که در شکل‌گیری طرحواره‌های غیرشرطی دخالت دارند، قطعاً در پیش‌بینی طرحواره‌های شرطی نیز نقش دارند. کلید واژگان: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، بدرفتاری

مقدمه

بدرفتاری عاطفی یکی از انواع بدرفتاری‌های دوران کودکی است و تجربه‌ی آن در دوران کودکی می‌تواند تأثیرات منفی کوتاه مدت و بلند مدت بسیاری بر زندگی افراد داشته باشد (انگلیش، تامپسون، وایت، ویلسون، ۲۰۱۵؛ تیچر و سمسون، ۲۰۱۳). مطالعات نشان داده‌اند بدرفتاری عاطفی دوران

۱. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران. (نویسنده‌ی مورد) farazmand.sn@gmail.com

۲. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

۳. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

۴. دپارتمان روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

کودکی که ممکن است بیش از سایر انواع بدرفتاری‌ها آسیب رسان باشند (مسورا، ۲۰۱۳)، پیامدهای شدید و پایدار روان شناختی مانند احساس شرم، حقارت، خشم، بی‌ارزشی، بازداری هیجانی (هارپر و اریاس، ۲۰۰۴؛ کراوس، مندلسون، لیچ، ۲۰۰۳)، اختلالات خلقی، اضطراب، عزت نفس پایین، حساسیت در روابط بین فردی، اختلالات خوردن و اختلالات شخصیت (هاند و اسپلج، ۲۰۰۶؛ کنت و والر، ۲۰۰۰؛ میلر، نیومن، کاسر، مورای، ۲۰۱۵؛ وایت، انگلیش، تامپسون و روبرتس، ۲۰۱۵) در پی خواهد داشت. نظریه‌های شناختی که سعی داشته‌اند تا ارتباط بین تجربه‌ی بدرفتاری‌های دوران کودکی و اختلالات روان شناختی بعدی را بر اساس مکانیسم‌های شناختی تبیین کنند (دزویس، بک، ۲۰۰۸، یانگ، کلسکو و ویشار، ۲۰۰۳)، عقیده دارند که تاثیر بدرفتاری عاطفی دوران کودکی در آسیب‌شناسی روانی بعدی، ممکن است بر اساس ایجاد آسیب‌پذیری شناختی (سبک‌های اسنادی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه) تعدیل شود (گیب، آبرامسون و الوی، ۲۰۰۴، هانکین، ۲۰۰۵). مدل‌های گوناگونی نیز نشان داده‌اند که تجارب بدرفتاری می‌تواند در ایجاد آسیب‌پذیری‌های شناختی نقش داشته باشند (کالت، اوره، هانکین، ۲۰۱۳). پژوهش‌هایی که به بررسی نقش آسیب‌پذیری شناختی در اختلالات روان شناختی پرداخته‌اند به طور روزافزونی نشان داده‌اند که بدرفتاری‌های عاطفی نسبت به سایر شکل‌های بدرفتاری مانند بدرفتاری جسمی و جنسی، نقش بیشتری در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه دارند (گیب، آبرامسون، الوی، ۲۰۰۴؛ مک کارتی و لوملی، ۲۰۱۲).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر حسب شرطی بودن به دو دسته‌ی طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی تقسیم می‌شوند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). بیشتر طرحواره‌ها در دسته‌ی غیر شرطی قرار می‌گیرند، طرحواره‌های غیرشرطی باورهای مرکزی و غیرشرطی درباره‌ی خود و دیگران هستند که در اوایل زندگی شکل می‌گیرند و مستقل از شرایط زندگی پایدار باقی می‌مانند و هیچ چیز نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد. در مقابل، طرحواره‌های شرطی دیرتر شکل می‌گیرند و برخلاف طرحواره‌های غیرشرطی، بنیادی نیستند و نقش آنها مقابله با تاثیرات طرحواره‌های غیرشرطی است. مطالعه‌ی استالارد (۲۰۰۷) نشان داد که کودکان، ۷ طرحواره از ۸ طرحواره‌ی غیر شرطی و فقط یک طرحواره از چهار طرحواره‌ی شرطی (اطاعت) را در مورد خودشان تایید می‌کنند. در مطالعه‌ی دیگری نیز نشان داده شد که تمام طرحواره‌های غیر شرطی به علاوه‌ی طرحواره‌ی بازداری هیجانی نسبت به طرحواره‌های شرطی ارتباط بیشتری با بدرفتارهای والدین در دوران کودکی دارند (سیکرو، نلسون، گیلی، ۲۰۰۴). گرچه تمایز بین طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی از لحاظ نظری و کاربرد بالینی اهمیت بسزایی دارد. مطالعات پیشین فقط برخی شواهد اولیه در جهت تفاوت شیوه‌های شکل‌گیری طرحواره‌ها از لحاظ

شرطی بودن فرآهم کرده‌اند و مطالعات اندکی تمایز بین طحواره‌های شرطی و غیرشرطی را مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف از پژوهش حاضر بررسی چگونگی ارتباط تجربه بدرفتاری عاطفی والدین و سایر منابع بدرفتاری عاطفی با آسیب‌پذیری روان شناختی بر اساس پیش‌بینی طحواره‌های شرطی و غیرشرطی بود.

روش

پژوهش حاضر، مطالعه ای توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه های شهر تهران بود. نمونه ی پژوهش حاضر شامل ۳۱۵ نفر (۱۸۵ زن، ۱۳۰ مرد) بود که به شیوه ی نمونه‌گیری در دسترس از پنج دانشگاه علوم‌بهزیستی و توانبخشی، دانشگاه خواجه نصیر، دانشگاه شهیدبهشتی، دانشگاه آزاد، دانشگاه پیام نور شهر تهران انتخاب و به بعد از توضیح پژوهش، از دانشجویان خواسته شد تا در صورت تمایل به پرسشنامه های تجارب زندگی^۱ و پرسشنامه ی طحواره یانگ نسخه سوم فرم کوتاه^۲ پاسخ دهند. بعد از حذف پرسشنامه های مخدوش، اطلاعات ۲۸۹ آزمودنی (۱۶۹ زن، ۱۲۰ مرد) مورد تحلیل قرار گرفت.

پرسشنامه ی تجارب زندگی (گیب و همکاران، ۲۰۰۱) مقیاسی است که از آن به منظور ارزیابی تجربه‌ی بدرفتاری دوران کودکی، پیش از ۱۵ سالگی استفاده می‌شود. این مقیاس خودگزارشی ۸۲ آیتم دارد و شامل خرده مقیاس‌های آزار و بی‌توجهی در سه نوع بدرفتاری جسمی، جنسی و عاطفی است. در این پژوهش، فقط خرده مقیاس بدرفتاری عاطفی مورد بررسی قرار گرفت. این خرده مقیاس شامل ۳۸ آیتم است که آزار و بی‌توجهی عاطفی را ارزیابی می‌کند. هر آیتم رخداد خاصی از بدرفتاری را ارایه می‌کند (به عنوان مثال آیا تا به حال کسی به شما گفته که شما خودخواه، تنفر برانگیز، بدجنس هستید و یا صفات منفی دیگری دارید؟) و پاسخ دهندگان علاوه بر آنکه در این پرسشنامه مشخص می‌کنند که آیا چنین تجربه ای داشته اند یا خیر، منبع بدرفتاری و فراوانی آن را نیز تا پیش از سن ۱۵ سالگی مشخص می‌کنند (گیب، بناس، گروسپ و همکاران، ۲۰۰۷). اعتبار و پایایی این مقیاس تایید شده است (گیب، الوی، آبرامسون و همکاران، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر ضریب آلفای خرده مقیاس بدرفتاری عاطفی ۰/۹۲ بدست آمد.

پرسشنامه ی طحواره یانگ نسخه سوم فرم کوتاه برای ارزیابی شناخت های منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مقیاس ابزاری خودگزارشی شامل ۹۰ آیتم و ۱۸ طحواره ی ناسازگار اولیه است (یانگ

1. life time experience questionnaire

2. Young schema questionnaire

و همکاران، ۲۰۰۳). پاسخ‌گویی به آیت‌ها به صورت پیوسته از ۱ تا ۶ به روش لیکرت صورت می‌گیرد (۱= کاملاً غلط و ۶= کاملاً درست). پایایی و اعتبار این آزمون در پژوهش‌های مختلف تایید شده است (انموث، ۲۰۱۱). پایایی خرده مقیاس‌های این مقیاس در پژوهش حاضر با آلفای کرونباخ در فاصله ی ۰/۵۵ تا ۰/۸۰ بود.

با توجه به نوع مطالعه و فرضیات مورد پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. داده‌ها با هجدهمین ویرایش نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش پیش فرض‌های لازم برای انجام تحلیل رگرسیون شامل نرمال بودن توزیع داده‌ها و همگن بودن واریانس داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی پیش فرض‌های آماری نشان داد که هر دو پیش فرض همگن بودن واریانس داده‌ها (با استفاده از آزمون لوین) و نرمال بودن توزیع داده‌ها (با استفاده از آزمون کولموگراف - اسمیرنوف) برقرار است ($P < 0.01$).

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نمونه مورد بررسی در جدول ۱ ارائه شده است. ابتدا همبستگی پیرسون بین منابع بدر رفتاری عاطفی (والدین، همسالان و سایر منابع) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه محاسبه شد، که نتایج بدست آمده از آن در جدول ۱ ارائه شده است. نتایج بدست آمده نشان داد بدر رفتاری عاطفی والدین طور معناداری با طرحواره‌های غیرشرطی ($I = 0.48$ و $P < 0.01$) و طرحواره‌های شرطی ($I = 0.38$ و $P < 0.01$) همبستگی مثبت داشت. و همچنین بدر رفتاری همسالان نیز هم با طرحواره‌های غیرشرطی ($I = 0.24$ و $P < 0.01$) و هم با طرحواره‌های شرطی ($I = 0.30$) و $P < 0.01$) همبستگی مثبت داشت. اما بدر رفتاری عاطفی سایر منابع فقط به طور معناداری با طرحواره‌های شرطی همبستگی معناداری داشت ($I = 0.26$ و $P < 0.01$). برای تعیین میزان سهم هر کدام از منابع بدر رفتاری عاطفی در تبیین واریانس شکل‌گیری طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی از چندین مرحله تحلیل رگرسیون (رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان) استفاده شد. اولین رگرسیون برای بررسی نقش منابع بدر رفتاری عاطفی والدین، همسالان و سایرین در پیش‌بینی طرحواره‌های غیرشرطی انجام شد تا تعیین شود چند درصد از واریانس طرحواره‌های غیرشرطی به وسیله منابع بدر رفتاری عاطفی تبیین می‌شود. نتایج بدست آمده نشان داد که منابع بدر رفتاری عاطفی والدین و همسالان ۲۳ درصد از واریانس طرحواره‌های غیرشرطی را تبیین می‌کنند ($P < 0.01$) و همان طور که انتظار می‌رفت بدر رفتاری عاطفی والدین قوی‌ترین پیش‌بینی کننده طرحواره‌های غیرشرطی بود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه بر حسب جنسیت آزمودنی ها

متغیرها	زن		مرد		کل		r	۳
	sd	M	sd	M	sd	M		
بدرفتاری عاطفی والدین	۳۰/۷	۷/۴۱	۷/۱۷	۶/۳۳	۷/۲۳	۶/۸۷		
بدرفتاری عاطفی همسالان	۲/۰۲	۲/۵۹	۱/۶۵	۲/۳۳	۱/۸۳	۲/۴۶		
بدرفتاری عاطفی سایرین	۳/۳۱	۳/۶۹	۴/۵۴	۵/۲۸	۳/۸۲	۴/۴۸		
طرحواره های غیر شرطی	۱۳۴/۸۱	۴۳/۱۱	۱۴۶/۲۵	۳۹/۵۶	۱۳۹/۵۶	۴۲/۰۰		
طرحواره های شرطی	۶۸/۲۴	۱۹/۲۹	۷۳/۱۰	۱۷/۰۲	۷۰/۲۶	۱۸/۵۱		
رها شدگی	۱۳/۰۵	۵/۷۰	۱۳/۴۵	۵/۵۷	۱۳/۲۲	۵/۶۴	۰/۱۳	۰/۲۴**
بی اعتمادی/ بدرفتاری	۱۱/۶۷	۵/۳۸	۱۲/۷۳	۵/۲۵	۱۲/۱۱	۵/۳۴	۰/۱۵	۰/۳۰**
محرومیت هیجانی	۱۱/۵۲	۵/۸۳	۱۳/۳۸	۵/۸۹	۱۲/۲۹	۵/۹۲	۰/۱۱	۰/۱۷**
نقص / شرم	۱۰/۱۱	۴/۶۷	۱۱/۳۵	۴/۸۸	۹/۰۶	۴/۴۱	۰/۰۹	۰/۲۱**
انزوای اجتماعی	۸/۶۱	۴/۳۸	۹/۶۹	۴/۳۹	۱۰/۶۳	۴/۷۹	۰/۰۱۶	۰/۲۲**
وابستگی/ بی کفایتی	۸/۶۵	۳/۹۲	۸/۹۲	۳/۶۷	۸/۷۶	۳/۸۱	۰/۰۷	۰/۲۰**
آسیب پذیری به ضرر و بیماری	۹/۷۳	۴/۷۶	۱۰/۶۴	۴/۸۵	۱۰/۱۱	۴/۸۱	۰/۱۰	۰/۲۲**
خود تحول نیافته	۱۱/۰۵	۴/۵۳	۱۱/۶۸	۴/۴۷	۱۱/۳۱	۴/۵۱	۰/۰۳	۰/۱۹**
شکست	۸/۷۵	۴/۲۳	۹/۰۰	۳/۶۴	۸/۸۵	۳/۹۹	۰/۱۱	۰/۱۸**
استحقاق/ بزرگ منشی	۱۵/۷۲	۵/۰۵	۱۷/۲۸	۵/۱۵	۱۶/۳۷	۵/۱۴	۰/۰۹	۰/۲۱**
خویشننداری ناکافی	۱۳/۶۷	۴/۹۸	۱۴/۸۲	۴/۸۵	۱۴/۱۵	۴/۹۵	۰/۱۵	۰/۱۶**
منفی گرایی/ بدبینی	۱۱/۷۸	۵/۰۶	۱۲/۹۴	۴/۸۲	۱۲/۲۶	۴/۹۹	۰/۱۲	۰/۲۹**
تنبیه	۱۰/۵۶	۴/۳۶	۱۱/۶۹	۴/۵۰	۱۱/۰۳	۴/۴۴	۰/۱۱	۰/۲۲**
اطاعت	۱۰/۳۱	۴/۵۸	۱۰/۰۹	۴/۱۵	۱۰/۲۲	۴/۴۰	۰/۲۸**	۰/۱۱
ایثار	۱۴/۲۱	۴/۲۷	۱۵/۹۰	۴/۵۸	۱۴/۹۱	۴/۴۷	۰/۲۲**	۰/۱۷**
پذیرش جویی/ جلب توجه	۱۵/۶۳	۵/۹۴	۱۶/۳۹	۵/۳۹	۱۵/۹۵	۵/۷۲	۰/۲۲**	۰/۱۸**
بازداری هیجانی	۱۱/۸۸	۵/۳۱	۱۳/۳۲	۵/۰۱	۱۲/۴۸	۵/۲۳	۰/۱۴**	۰/۲۴**
معیار های سخت گیرانه	۱۶/۲۰	۵/۳۳	۱۷/۳۸	۴/۵۸	۱۶/۶۹	۵/۰۶	۰/۱۶**	۰/۲۴**

۱: بدرفتاری عاطفی والدین؛ ۲: بدرفتاری عاطفی همسالان؛ ۳: بدرفتاری عاطفی سایرین

به منظور تبیین نقش منابع بدرفتاری عاطفی والدین، همسالان و سایرین در پیش بینی طرحواره های شرطی انجام شد. نتایج بدست آمده نشان داد که بدرفتاری عاطفی والدین، همسالان و سایرین ۲۹ درصد از واریانس طرحواره های شرطی را پیش بینی می کنند. نتایج بدست آمده نشان داد بر خلاف فرضیه پژوهش بدرفتاری والدین علاوه بر پیش بینی طرحواره های غیر شرطی قوی ترین پیش بینی کننده

طرحواره‌های شرطی نیز بود.

جدول ۲. تحلیل رگرسیون متغیر پیش بین (منبع بدرفتاری عاطفی)

با طرحواره های شرطی و غیر شرطی					
Sig.	F	e	A R ²	متغیر پیش بین	متغیر ملاک
۰/۰۰۱	۲۸/۳۱	۱۶/۳۳	۰/۲۲	منبع بدرفتاری عاطفی	طرحواره های غیر شرطی
۰/۰۰۱	۳۹/۵۱	۳۵/۴۸	۰/۲۹		طرحواره های شرطی

جدول ۳. ضرایب رگرسیونی منابع بدرفتاری عاطفی در پیش بینی طرحواره های شرطی و غیر شرطی

Sig.	T	Beta	B	پیش بین	منبع بدرفتاری عاطفی در پیش بینی طرحواره های غیر شرطی
۰/۰۰۱	۶/۳۴	۰/۳۵	۰/۹۴	والدین	منابع بدرفتاری عاطفی در پیش بینی طرحواره های غیر شرطی
۰/۰۰۷	۲/۷۰	۰/۱۶	۰/۷۸	همسالان	منابع بدرفتاری عاطفی در پیش بینی طرحواره های غیر شرطی
۰/۰۰۱	۷/۲۶	۰/۳۹	۲/۳۳	والدین	منابع بدرفتاری عاطفی در پیش بینی طرحواره های غیر شرطی
۰/۰۰۱	۳/۴۸	۰/۲۰	۲/۱۹	همسالان	منابع بدرفتاری عاطفی در پیش بینی طرحواره های غیر شرطی
۰/۰۴۵	۲/۰۱	۰/۱۱	۱/۰۷	سایرین	منابع بدرفتاری عاطفی در پیش بینی طرحواره های غیر شرطی

بحث

هدف از مطالعه‌ی حاضر بررسی نقش منابع بدرفتاری عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی در بزرگسالی بود. بررسی جنبه تمایز بین طرحواره‌ها از نظر شرطی بودن در این پژوهش نشان داد که بدرفتاری عاطفی والدین و همسالان طرحواره‌های غیرشرطی و بدرفتاری عاطفی والدین، همسالان و سایرین طرحواره‌های شرطی را پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌های بدست آمده از پژوهش حاضر، نشان داد که بدرفتاری والدین هم چنان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده طرحواره‌های غیرشرطی نیز است. نتایج بدست آمده از این پژوهش همسو با نتایج پژوهش‌های دیگر بود که بر اهمیت نقش بدرفتاری عاطفی والدین در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه تاکید می‌کنند (هریس و کورتین، ۲۰۰۲؛ لوملی و هارکنس، ۲۰۰۷؛ موریس، ۲۰۱۳؛ مک کارتی و لوملی، ۲۰۱۲). یافته‌های مطالعه‌ی حاضر تاییدی بر نظریه طرحواره یانگ است در این نظریه فرض بر این است که والدین بیشترین نقش را در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه و باورهای بنیادین دارند (یانگ، ۲۰۰۳). همسو با نتایج بدست آمده از این پژوهش، نظریه شناختی بک نیز بر ارتباط مراقبت‌کننده‌ها به عنوان اصلی‌ترین عامل در شکل‌گیری باورهای بنیادین تاکید می‌کند (بک، ۱۹۶۷).

بر اساس نظریه طرحواره، طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نتیجه‌ی تداوم و شدت تجربه‌ی بدررفتاری در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). با توجه به آنکه به طور معمول خانواده به عنوان اولین کانونی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و حضور فرد سال‌های زیادی در آن تداوم دارد، اولین، قدرتمندترین و پایدارترین تاثیرات محیطی که فرد دریافت می‌کند، از محیط خانواده می‌باشد و حتی اثرپذیری فرد از سایر محیط‌ها می‌تواند تحت تاثیر فضای حاکم بر روابط او با والدین خود در خانواده باشد. به طوری که والدین و مراقبت‌کننده‌های اولیه و نحوه‌ی ارتباط و پاسخگویی والدین نقش عمده‌ای در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی فرد و آسیب‌پذیری-های شناختی و به طور ویژه شناخت‌واره‌های منفی او دارند. هم‌چنین در تایید این یافته پژوهش‌های بالینی نشان می‌دهند در درمان بالینی پس از شناسایی و در چالش با طرحواره‌های ناسازگار اولیه موثرترین روش تمرکز درمان بر کاهش نقش بدررفتاری عاطفی والدین در مقابل سایر منابع بدررفتاری عاطفی (همسالان و سایرین) در افرادی است که در بزرگسالی درگیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند. (مک‌کارتی، لوملی؛ ۲۰۱۲)

نیاز به برقراری ارتباطات نزدیک و صمیمی در مراحل مختلف رشدی به شکل‌های مختلفی از روابط اجتماعی خود را نشان می‌دهد. به همین دلیل بسیاری از صاحب نظران از جمله بالبی، سالیوان و پیازه معتقد هستند که ارتباط با همسالان از سال‌های اولیه زندگی می‌تواند سهم منحصر به فردی در رشد فرد داشته باشند (بالبی، ۱۹۸۲). بنابراین، علاوه بر خانواده، تاثیرات همسالان و مدرسه، همزمان با تحول کودک اهمیت بیشتری می‌یابند و ممکن است در شکل‌گیری طرحواره‌ها نقش داشته باشند. این فرآیند پیوسته شکل‌گیری طرحواره به وسیله‌ی مطالعات اندکی در زمینه‌ی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دوران کودکی تایید شده است (استالارد، و رینر، ۲۰۰۷؛ فرمن و برمستر، ۱۹۹۲؛ لمپر و کلارک، ۱۹۹۲؛ ویلیامز، کانلی و سگال، ۲۰۰۱). این امر هم‌چنین به وسیله‌ی یافته‌هایی که اشاره می‌کنند که سایر آسیب‌پذیری‌های شناختی نیز در طول دوره‌ی جوانی شکل می‌گیرند حمایت می‌شود (کل، مکسول، دوکسویج و همکاران، ۲۰۱۰). به عنوان مثال، ماهیت سبک‌های اسنادی از نظر کیفی در طول دوران کودکی و اوایل نوجوانی تغییر می‌کند و چنین شناخت‌هایی به شکل سبک‌های شخصیتی تا اوایل نوجوانی نمایان نمی‌شوند (کل و همکاران، ۲۰۱۰). در نتیجه به علت آنکه فرد با والدین و همسالانش از سال‌های اولیه زندگی روابط طولانی مدت دارد و تجربه بدررفتاری در این روابط به مدت طولانی تداوم دارد و بنابراین این منابع می‌توانند در شکل‌گیری باورهای بنیادین فرد نقش داشته باشند.

یافته‌های این مطالعه اشارات تلویحی‌ای را در خصوص تمایز بین طرحواره‌ها از لحاظ شرطی بودن در نظریه طرحواره یانگ مطرح می‌کند. در حالی که نظریه طرحواره اشاره دارد که طرحواره‌های غیرشرطی بیشترین ارتباط را با بدرفتاری‌های والدین در دوران کودکی دارند و سایر منابع بدرفتاری بیشترین ارتباط را با طرحواره‌های شرطی ممکن است داشته باشند. با این وجود، یافته‌های مطالعه‌ی حاضر همسو با این فرضیات که طرحواره‌های شرطی در نتیجه بدرفتاری سایر منابع در سال‌های بعدی زندگی به وجود می‌آیند نبود، بلکه نشان داد که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده طرحواره‌های شرطی والدین هستند و ممکن است منشا طرحواره‌های شرطی، تجارب مشابه بدرفتاری عاطفی در دوران کودکی با منبع والدینی و همسالان باشد. در این هنگام طرحواره‌های شرطی برای کاهش تاثیرات و احساسات ناگوار طرحواره‌های غیرشرطی شکل می‌گیرند، در این گونه موارد، طرحواره‌های شرطی ثانویه هستند و در عین حال منابع شکل‌گیری یکسانی با طرحواره‌های غیرشرطی دارند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). بنابراین نتایج حاصل از تحقیق، حاکی از پاسخ منفی به سوال تحقیق حاضر (آیا فقط منبع بدرفتاری عاطفی به تنهایی پیش‌بینی‌کننده تمایز شکل‌گیری طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی است یا عوامل دیگری (همچون شدت و تداوم بدرفتاری عاطفی) هم در شکل‌گیری طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی نقش دارند؟) است و نشان داد گرچه منابع مختلف بدرفتاری عاطفی در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقش دارند ولی با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد بدرفتاری منابعی که تداوم و شدت بیشتری در زندگی فرد دارند، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تری در پیش‌بینی طرحواره‌های غیرشرطی و طرحواره‌های شرطی هستند. زیرا منابعی که در شکل‌گیری طرحواره‌های غیرشرطی دخیل هستند قطعاً در پیش‌بینی طرحواره‌های شرطی نیز نقش دارند. در مجموع نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که مرز تمایز مسیر شکل‌گیری بین طرحواره‌های شرطی و غیرشرطی بر اساس تفاوت منابع بدرفتاری (استالارد، ۲۰۰۷) و ریشه‌های آن (سیسرو و همکاران، ۲۰۰۴) ممکن است بسیار باریک باشد. و شدت و تداوم بدرفتاری منابع بدرفتاری در پیش‌بینی طرحواره‌ها بیشترین تاثیر را دارند.

References

- Anmuth, L. M. (2011). *Early Maladaptive Schemas and negative life events in the prediction of depression and anxiety*. (Doctoral dissertation, Rowan University).
- Beck, A. T. (1967). *Depression*. New York, NY: Harper and Row.
- Bowlby, J. (1969/1982). Attachment and loss: Vol. 1. *Attachment* (2nd ed.). New York: Basic Books.
- Calvete, E., Orue, I., & Hankin, B. L. (2013). Transactional relationships among cognitive vulnerabilities, stressors, and depressive symptoms in adolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 41(3), 399-410.
- Cecero, J. J., Nelson, J. D., & Gillie, J. M. (2004). Assessment tools and tenets of schema therapy: Toward the construct validity of the Early Maladaptive Schema Questionnaire Research Version (EMSQ-R). *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 11, 344-357.

- Cole, D. A., Maxwell, M. A., Dukewich, T. L., & Yosick, R. (2010). Targeted peer victimization and the construction of positive and negative self-cognitions: Connections to depressive symptoms in children. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 39(3), 421-435.
- Dozois, D. J. A., & Beck, A. T. (2008). Cognitive schemas, beliefs, and assumptions. In K. S. Dobson & D. J. A. Dozois (Eds.), *Risk factors in depression* (pp. 121-143). San Diego, CA: Elsevier Academic Press.
- English, D., Thompson, R., White, C. R., & Wilson, D. (2015). Why should child welfare pay more attention to emotional maltreatment?. *Children and youth services review*, 50, 53-63.
- Furman, W., & Buhrmester, D. (1992). Age and sex differences in perceptions of networks of personal relationships. *Child Development*, 63(1), 103-115.
- Gibb, B. E., Alloy, L. B., Abramson, L. Y., Rose, D. T., Whitehouse, W. G., Donovan, P., & Tierney, S. (2001). History of childhood maltreatment, negative cognitive styles, and episodes of depression in adulthood. *Cognitive Therapy and Research*, 25(4), 425-446.
- Gibb, B. E., Abramson, L. Y., & Alloy, L. B. (2004). Emotional maltreatment from parents, verbal peer victimization, and cognitive vulnerability to depression. *Cognitive Therapy and Research*, 28(10), 1-21.
- Gibb, B. E., Benas, J. S., Crossett, S. E., & Uhrlass, D. J. (2007). Emotional maltreatment and verbal victimization in childhood. *Journal of Emotional Abuse*, 7(2), 59-73.
- Hankin, B. L. (2005). Childhood maltreatment and psychopathology: Prospective tests of attachment, cognitive vulnerability, and stress as mediating processes. *Cognitive Therapy and Research*, 29(6), 645-671
- Harper, F. W., & Arias, I. (2004). The role of shame in predicting adult anger and depressive symptoms among victims of child psychological maltreatment. *Journal of Family Violence*, 19(6), 359-367.
- Harris, A. E., & Curtin, L. (2002). Parental perceptions, early maladaptive schemas, and depressive symptoms in young adults. *Cognitive Therapy and Research*, 26(3), 405-416.
- Hund, A. R., & Espelage, D. L. (2006). Childhood emotional abuse and disordered eating among undergraduate females: Mediating influence of alexithymia and distress. *Child Abuse & Neglect*, 30, 393-407.
- Kent, A., & Waller, G. (2000). Childhood emotional abuse and eating psychopathology. *Clinical Psychology Review*, 20(7), 887-903.
- Krause, E. D., Mendelson, T., & Lynch, T. R. (2003). Childhood emotional invalidation and adult psychological distress: The mediating role of emotional inhibition. *Child Abuse & Neglect*, 27, 199-213.
- Lempers, J. D., & Clark-Lempers, D. S. (1992). Young, middle, and late adolescents' comparisons of the functional importance of five significant relationships. *Journal of Youth and Adolescence*, 21(1), 53-96.
- Lumley, M. N., & Harkness, K. L. (2007). Specificity in the relations among childhood adversity, early maladaptive schemas, and symptom profiles in adolescent depression. *Cognitive Therapy and Research*, 31(5), 639-657.
- Massura, C. E. (2013). *Childhood emotional maltreatment and college student adjustment: The mediating role of perceived attachment security*. (Doctoral dissertation, SAINT LOUIS UNIVERSITY).
- McCarthy, M. C., & Lumley, M. N. (2012). Sources of emotional maltreatment and the differential development of unconditional and conditional schemas. *Cognitive behaviour therapy*, 41(4), 288-297.
- Mills, P., Newman, E. F., Cossar, J., & Murray, G. (2015). Emotional maltreatment and disordered eating in adolescents: Testing the mediating role of emotion regulation. *Child Abuse & Neglect*, 39, 156-166
- Stallard, P. (2007). Early maladaptive schemas in children: Stability and differences between a community and a clinic referred sample. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 14, 10-18.
- Teicher, M. H., & Samson, J. A. (2013). Childhood maltreatment and psychopathology: a case for ecophenotypic variants as clinically and neurobiologically distinct subtypes. *American Journal of Psychiatry*, 170(10), 1114-1133.
- Williams, S., Connolly, J., & Segal, Z. V. (2001). Intimacy in relationships and cognitive vulnerability to depression in adolescent girls. *Cognitive Therapy and Research*, 25(4), 477-496.
- White, C. R., English, D., Thompson, R., & Roberts, Y. H. (2015). Youth self-report of emotional maltreatment: Concordance with official reports and relation to outcomes. *Children and youth services review*, 62, 111-121

- Wright, M. O., Crawford, E., & Sebastian, K. (2007). Positive resolution of childhood sexual abuse experiences: The role of coping, benefit-finding and meaning-making. *Journal of Family Violence*, 22, 597-608
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York, NY: The Guilford Press.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 11 (No. 44), pp. 37-46, 2017

The role of sources of childhood emotional maltreatment in predicting conditional and unconditional maladaptive schemas in adulthood

Farazmand, Shirin

University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Mohammadkhani, Parvaneh

University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Pourshahbaz, Abbas

University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Dolatshahee, Behrouz

University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Received: Jan 10, 2017

Accepted: Apr 25, 2017

Although the distinction between conditional and unconditional schemas by theoretical and clinical application is very important, previous studies have only provided some preliminary evidence for the development of schemas by conditionality, and few studies have examined the distinction between conditional and unconditional schemas. The aim of the present study was to investigate the role of sources of childhood emotional maltreatment (parent's, peer's and others' emotional maltreatment in childhood) in predicting of conditional and unconditional schemas in adulthood. For this purpose in a descriptive correlational study, 315 students were selected from students of Tehran universities (University of social welfare and rehabilitation science, Khajenasir University, Shahid Beheshti University, Azad University, Payame Noor University) with available sampling selected and were examined on life experiences and maladaptive schemas questionnaires. The result of multiple regression analysis showed that parent's and peer's emotional maltreatment predicted unconditional schemas and parent's, peer's and other's emotional maltreatment predicted conditional schemas in college students. It seems that, maltreatment of sources that are more persistence and intensity in the person's life, are stronger predictors in predicting conditional and unconditional schemas. Because sources of maltreatment that have a role in developing unconditional schemas, certainly have also a role in predicting conditional schemas.

Keywords: early maladaptive schemas; maltreatment

Electronic mail may be sent to: farazmand.sn@gmail.com